

کاوشی پیرامون کیفر انتقال کرونا در پرتو فقه و قانون

دکتر اکبر محمودی

استادیار دانشگاه بین‌المللی مصطفی

mahmoodiakbar24@gmail.com

چکیده

این مقاله علمی در عصر شیوع کرونا (کووید ۱۹) در همه نقاط جهان با روش تحقیق توصیفی تحلیلی و اسناد کتابخانه‌ای و میدانی نگارش یافته و جدیدترین یافته‌های فقهی حقوقی را درباره کیفر انتقال آن از نگاه فقه کیفری و حقوق جزا طرح می‌کند. انتقال کرونا از نظر قانون مجازات اسلامی و فقه جرم است. قصاص انتقال‌دهنده کرونا در صورت فوت یا آسیب دریافت‌کننده منتفی بوده و باید دیه پرداخت شود؛ چراکه قصاص در جنایت عمدی مشروط به مباشرت در نزد برخی فقها، غالبی بودن فعل در جنایت و احراز استناد جنایت به جانی در نزد همه فقهاست؛ درحالی‌که تحقق این شروط در اینجا محل تردید است؛ ازاین‌رو طبق قاعده احتیاط در دماء، قاعده درء، اصل احتیاط و ... قصاص اجرا نمی‌شود. در جنایت شبه‌عمدی و جنایت خطای محض، قصاص از نظر همه فقها در همه‌جا، از جمله اینجا، منتفی است. انتقال کرونا با عمد، علم و قصد اتلاف یا آسیب اعضای جامعه، موجب صدق عنوان «افساد فی الارض» بوده و کیفر بر عامل آن اجرا می‌شود.

کلیدواژه: کرونا، کیفر، جزا، قصاص، دیه، انتقال، بیماری همه‌گیر

بیماری‌های واگیردار بر بیماری‌های ناشی از یک عامل عفونی خاص یا فراورده‌های سمی آن اطلاق می‌شود که با انتقال مستقیم یا نامستقیم آن عامل یا فراورده‌های آن به وسیله انسان‌ها، حیوان‌ها، گیاه‌ها، جمادها و ... انتقال پیدا کرده و با سرعت در سطح عموم جامعه گسترش می‌یابند (فولادبند، نعمت‌اللهی، محمدجانی، شیبانی، شیرانی، ۱۳۹۱: ۹۸). این نوع بیماری‌ها به دو گروه: ۱. کشنده، مانند سل، وبا، ایدز، ایبولا، مرس و کرونا؛ ۲. غیرکشنده، مانند تبخال و برفک بخش‌بندی می‌شود (فروغی، میرزایی، باقرزادگان، صوفی، ۱۳۹۴: ۱۲۷).

ابتلای عضوی از جامعه به بیماری واگیردار خطر شیوع آن بیماری را در اعضای دیگر جامعه به همراه دارد و کنترل این بیماری نیاز به همکاری همه اعضای جامعه دارد (پارسای، حیدرنیا، کلاهی، سهرابی، شمشیری، محمدی، کامیابی، بی‌تا: ۱۵). بر همین اساس همه اعضای جامعه نسبت به هم در این زمینه مسئولیت دارند و تقصیر نسبت به این مسئولیت سبب جریان برخی کیفرهای معین حدی و تعزیری می‌شود. امکان استخراج این کیفرها در هم فقه و هم قانون - ازجمله قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲ شمسی در جمهوری اسلامی ایران - وجود دارد. در ماده اول از این قانون آمده است: «قانون مجازات اسلامی مشتمل بر جرائم و مجازات‌های حدود، قصاص، دیات و تعزیرات، اقدامات تأمینی و تربیتی، شرایط و موانع مسئولیت کیفری و قواعد حاکم بر آنهاست».

بیماری کرونا در زمره این بیماری‌ها به حساب می‌آید که در همه جهان شیوع می‌یابد و آسیب‌های فراوانی به ملت‌ها وارد کرده و همه ابعاد زندگی آن‌ها را تحت تأثیر خویش قرار می‌دهد (هادی، ۱۳۹۸: ۸ و ۱۰)؛ به‌طوری‌که در مدت زمان کوتاهی سبب تعطیلی همه مراکزهای تجمع‌پذیر شده و زندگی بشر را فلج می‌کند (صائب‌نیا و کریمی، ۱۳۹۹: ۸۴)؛ از این رو اهمیت بسیار زیادی برای همه مردم و مسئولان دارد. با توجه به اهمیت و ضرورت این مسئله نگارنده در نظر دارد با روش تحقیق توصیفی تحلیلی و اسناد کتابخانه‌ای حکم فقهی و حقوقی انتقال کرونا و مسئولیت

کیفری آن را بررسی کند؛ بنابراین نوآوری این مقاله نگارش اولین مقاله علمی درباره بررسی کیفر انتقال کرونا از نگاه فقه کیفری و حقوق جزاست. سؤال اصلی مقاله این است که آیا از نظر فقه کیفری و حقوق جزا، انتقال دادن بیماری مسری کرونا به دیگری کیفر دارد؟

۱. آشنایی با کرونا

کروناویروس‌ها گروه بزرگی از ویروس‌ها و زیرمجموعه کروناویریده هستند که از ویروس سرماخوردگی معمولی تا عامل بیماری‌های شدیدتر، مانند سارس، مرس و کووید ۱۹ را شامل می‌شوند (vrc.sbmu.ac.ir).

از خصوصیات ظاهری کروناویروس‌ها زواید تاج‌مانند بر روی سطوح دیواره آنهاست. این ویروس به‌طور طبیعی در پستانداران و پرندگان شیوع پیدا می‌کند (هادی، ۱۳۹۸: ۶). این دسته از ویروس‌ها در سال ۱۹۶۰ میلادی کشف شده‌اند و مطالعه بر روی آنها به‌طور مستمر تا اواسط دهه ۱۹۸۰ میلادی ادامه داشت. تاکنون هفت کروناویروس انسانی کشف شده (توکلی، وحدت، کشاورز، ۱۳۹۸: ۴۳۴) و آخرین نوع آن با نام کووید ۱۹ در دسامبر ۲۰۱۹ میلادی در شهر ووهان از استان هوبا در کشور چین با همه‌گیری در انسان‌ها شیوع پیدا کرد (هادی، ۱۳۹۸: ۷) و در ظرف حدود چهار ماه به کل جهان انتقال یافت و هنوز هم در حال گسترش، تحمیل ضرر و گرفتن تلفات است و به بزرگ‌ترین بحران در جهان تبدیل شده است (اشرفی و کاظم‌پور، ۱۳۹۹: ۹).

از مختصات اصلی ویروس کووید ۱۹ انتقال سریع آن است (پورمحمدی و آذریان، ۱۳۹۹: ۷۰) و از راه‌های گوناگون - از جمله سرفه کردن، عطسه کردن، دست دادن، بغل کردن، روبوسی کردن، لمس اشیای آلوده به ویروس و تنفس در محل بسته - به‌راحتی قابل انتقال است (هادی، ۱۳۹۸، ۱۰؛ هونگ، ۱۳۹۸: ۱). بیماران مبتلا به این ویروس تا زمان بهبودی باید در قرنطینه کامل قرار گیرند (هونگ، ۱۳۹۸: ۴-۵؛ زندی و پورحسین، ۱۳۹۹: ۶).

ویروس کووید ۱۹ از ۱ تا ۱۴ روز و بیشتر ۳ تا ۷ روز نهفته است (هونگ، ۱۳۹۸: ۲). از نشانه‌های ابتلای به این ویروس سرماخوردگی، آبریزش بینی، تب، سردرد، سرفه خشک، گلودرد، بدن‌درد، احساس خستگی، تنگی نفس، تندی نفس، اسهال، استفراغ، اختلال‌های انعقادی خون و نارسایی کلیوی است (هادی، ۱۳۹۸، ۷ و ۹؛ فرنوش، علی‌شیری، حسینی، درستکار، جلالی، ۱۳۹۹: ۵). سالمندان، بیماران زمینه‌ای و زنان باردار با ابتلای به این بیماری بیشتر در معرض آسیب‌های جدی حتی مرگ قرار می‌گیرند (هونگ، ۱۳۹۸: ۲؛ هادی، ۱۳۹۸: ۳).

این ویروس با دمای ۵۶ درجه سانتی‌گراد در ۳۰ دقیقه، دی اتیل اتر، اتانول ۷۵ درصد، کلر، پراستیک اسید، کلروفرم، آلدئید، ساوِلن و ... نابود می‌شود (هونگ، ۱۳۹۸، ۱۵ و ۳۲؛ پورمحمدی و آذریان، ۱۳۹۹: ۷۱). تاکنون دارو یا واکسنی برای درمان بیماری کووید ۱۹ از سوی مراکز معتبر تأیید نشده است (هونگ، ۱۳۹۸: ۳؛ اشرفی و کاظم‌پور، ۱۳۹۹: ۹)؛ از این‌رو بهترین راهکار برای کنترل و مهار این بیماری و ویروس، رعایت بهداشت و پیشگیری است (اشرفی و کاظم‌پور، ۱۳۹۹: ۹) که با فاصله گرفتن از دیگران، شستن دستان، ضدعفونی کردن محیط اطراف، تهویه محیط بسته، ارتباط کمتر با دیگران، استفاده از ماسک در برابر دیگران، استفاده از دستکش، استفاده از وسیله نقلیه شخصی، دوری از حیوانات، استراحت کافی، خوردن غذاهای گرم، ترک غذاهای سرد و تقویت دفاعی بدن تحقق می‌پذیرد (هونگ، ۱۳۹۸: ۲۸-۳۰؛ هادی، ۱۳۹۸: ۴؛ پورمحمدی و آذریان، ۱۳۹۹: ۷۱؛ توکلی، وحدت، کشاورز، ۱۳۹۸: ۴۴۴-۴۴۶).

۲. صدق عنوان جرم بر انتقال کرونا به دیگران

قانونگذار در قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲ شمسی در جمهوری اسلامی ایران جرم را تعریف کرده و در ماده دوم از این قانون مقرر داشته است: «هر رفتاری اعم از فعل یا ترک فعل که در قانون برای آن مجازات تعیین شده است، جرم محسوب می‌شود.»

قانونگذار در ماده ۹ از قانون طرز جلوگیری از بیماری‌های آمیزشی و بیماری‌های واگیردار مصوب ۱۳۲۰ شمسی در ایران مقرر داشته است: «هر کس بداند که مبتلا به

بیماری آمیزشی بوده و یا آنکه اوضاع و احوال شخصی او طوری باشد که بایستی حدس بزنند که بیماری او واگیردار است و به واسطه آمیزش او طرف مقابل مبتلا شود و به مراجع قضایی شکایت کند، مبتلاکننده به حبس تأدیبی از سه ماه تا یک سال محکوم می‌شود».

هر چند موضوع اصلی در این ماده قانونی خصوص بیماری‌های آمیزشی است؛ ولی قانونگذار به وصف اصلی آن - که بیماری واگیردار بودن باشد - تصریح کرده؛ بنابراین ملاک اصلی در ثبوت جرم و مقرر داشتن مجازات برای آن همان واگیردار بودن است و بیماری‌های آمیزشی هیچ خصوصیتی ندارند؛ ازاین‌رو با الغای خصوصیت - که از ادله معتبر در استنباط است (بحرانی، ۱۴۰۵-۱۴۰۹ق: ج ۴، ص ۱۹۳؛ هاشمی، ۱۳۸۲-۱۳۹۷: ج ۱، ص ۶۳۹) - می‌توان حکم مقرر در این ماده قانونی را به بیماری‌های دیگر مانند کرونا نیز سرایت داد.

قانونگذار در این ماده از قانون برای انتقال بیماری واگیردار مجازات تعیین کرده که حبس تأدیبی از سه ماه تا یک سال است. براساس تعریفی که در ماده دوم از قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲ در جمهوری اسلامی ایران برای جرم شده، هر رفتاری - اعم از فعل یا ترک فعل - که قانون برای آن مجازات تعیین کرده باشد، جرم به‌شمار می‌رود، ازاین‌رو انتقال هر نوع بیماری واگیردار نیز جرم خواهد بود. کرونا نیز واگیردار است؛ لذا انتقال آن از نظر قانون مجازات اسلامی، جرم به حساب می‌آید.

هرچند کرونا از مسائل نوپیدا به حساب می‌آید و نمی‌توان در فقه برای اثبات جرم بودن انتقال آن به ادله خاص تمسک کرد، ولی امکان استنباط آن از ادله گوناگون، از جمله اطلاعات، عمومات، حکم عقل، سیره عقلا، سیره معصومان، سیره متشرعه و مقاصد شریعت وجود دارد.

۳. معیار احراز انتساب جرم و جنایت در انتقال کرونا به دیگری

روشن شد که انتقال دادن کرونا از نگاه حقوق موضوعه در ایران - به خصوص قانون مجازات اسلامی - جرم بوده و در صورت مرگ دریافت‌کننده یا اتلاف عضو یا منفعتی از اعضای وی، جنایت به‌شمار می‌رود که مستلزم اجرای کیفرهای مقرر در قوانین موضوعه ایران است؛ ولی به‌منظور انتساب جرم و جنایت به شخصی باید

رابطه استناد جرم به وی احراز شود (فروغی، میرزایی، باقرزادگان، صوفی، ۱۳۹۴: ۱۳۱) دلیل این نکته اصل برائت (شمس، ۱۳۸۱: ۶۶)، اصل احتیاط (مسجدسرای، نبی‌نیا، باقری، صدری، ۱۳۹۷: ۱۷۷)، قاعده درء (مرتاضی و امیران، ۱۳۹۷: ۶۱)، قاعده احتیاط در دماء (کلانتری، متولی‌زاده، گلستان‌رو، ۱۳۹۵: ۱۳۱) و ... است.

برهمن اساس فقها (مرعشی، ۱۴۱۵ق: ج ۱، ص ۸۶) فتوا داده‌اند که اگر شخصی ماری را در کنار فرد دیگر قرار دهد، درحالی که در کنار آن فرد مار دیگری نیز وجود داشته باشد و آن فرد نیز بمیرد و ما علم اجمالی داشته باشیم که توسط یکی از این دو مار کشته شده، قصاص بر آن شخص مشکل است؛ زیرا علم به صحت انتساب قتل به آن شخص به لحاظ عرفی - نه عمدی و نه خطایی - وجود ندارد؛ بنابراین حد با شبهه برطرف می‌شود و حتی دیه نیز از آن شخص گرفته نشده و از بیت‌المال پرداخت می‌شود.

قانون‌گذار در اصل ۳۷ از قانون اساسی ایران مصوب ۱۳۶۸ شمسی مقرر داشته است: «اصل، برائت است و هیچ‌کس از نظر قانون مجرم شناخته نمی‌شود، مگر اینکه جرم او در دادگاه صالح ثابت گردد».

در ماده ۱۲۰ از قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲ شمسی در جمهوری اسلامی ایران نیز براساس اعمال قاعده درء مقرر شده است: «هرگاه وقوع جرم یا برخی از شرایط آن و یا هر یک از شرایط مسئولیت کیفری مورد شبهه یا تردید قرار گیرد و دلیلی بر نفی آن یافت نشود حسب مورد جرم یا شرط مذکور ثابت نمی‌شود».

در ماده ۱۲ از آن نیز مقرر داشته شده است: «در جرائم موجب حد به استثنای محاربه، افساد فی الارض، سرقت و قذف به صرف وجود شبهه یا تردید و بدون نیاز به تحصیل دلیل حسب مورد جرم یا شرط مذکور ثابت نمی‌شود».

علاوه بر احراز اصل جرم، احراز استناد نوع جرم به جانی نیز جهت تعیین نوع مجازات برای جانی مهم است. برهمن اساس فقها (عاملی، ۱۴۱۰ق: ۲۷۳) فتوا داده‌اند اگر شخصی بر اعضای فردی دیگر جنایتی مرتکب شود و آن فرد بمیرد و استناد مرگ مجنی علیه به جنایت جانی مشتبه باشد، قصاص نفس بر جانی منتفی خواهد بود.

نکته مهم در انتقال ویروس و بیماری کرونا، مشکل بودن احراز رابطه سببیت در مفهوم خاص و استناد در مفهوم عام آن است که از چالش برانگیزترین مباحث حقوقی به حساب می‌آید (آقای نی، ۱۳۸۷: ۵۵) همچنین احراز عمدی یا غیرعمدی بودن انتقال آن نیز بسیار مشکل و پیچیده است و نیاز به ادله بسیار متقن دارد. براین اساس نمی‌توان به راحتی مسئولیت کیفری انتقال کرونا را متوجه شخص خاصی - غیر از فرد مبتلاشونده - کرد.

۴. عدم قصاص انتقال دهنده کرونا با جنایت بر دریافت کننده

اگر کرونا از شخصی به فرد دیگر انتقال یابد و فرد دریافت کننده بمیرد یا منفعتی از عضو وی تباه شود، قصاص انتقال دهنده منتفی است؛ زیرا جنایت بر نفس یا عضو یا منفعت در فقه اسلامی و حقوق موضوعه ایران بر سه قسم است.

فقه (طوسی، ۱۳۸۷: ج ۷، ص ۱۱۵؛ راوندی، ۱۴۰۵: ج ۲، ص ۴۱۴؛ حلی، ۱۴۱۴: ج ۳، ص ۳۲۱؛ حلی، ۱۴۱۰: ج ۲، ص ۱۹۴) سه نوع برای قتل برمی‌شمارند که عبارت است از: ۱. قتل عمد محض؛ ۲. قتل شبه عمد (عمد خطا)؛ ۳. قتل خطای محض. بر این تقسیم بندی ادعای اجماع شیعه شده است (طوسی، ۱۴۱۳: ج ۵، ص ۲۱۸).

فقه (طوسی، ۱۳۸۷: ج ۷، ص ۱۱۶) جنایت بر عضو و اتلاف آن را همانند قتل بر سه قسم می‌شمارند: جنایت عمدی محض، جنایت شبه عمدی (عمد خطایی) و جنایت خطای محض. قانون گذار در ماده ۲۸۹ از قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲ شمسی در جمهوری اسلامی ایران نیز مقرر داشته است: «جنایت بر نفس، عضو و منفعت بر سه قسم: عمدی، شبه عمدی و خطای محض است».

در صورتی که کرونا از شخصی به فرد دیگر انتقال یابد و آن فرد دریافت کننده فوت نشود؛ ولی عضوی از اعضای او بر اثر ابتلای به کرونا تلف شود، قصاص عضو نسبت به انتقال دهنده کرونا منتفی است. در ماده ۳۸۷ از این قانون جنایت بر عضو نیز تعریف شده و مقرر شده است: «جنایت بر عضو عبارت از هر آسیب کمتر از قتل مانند قطع عضو، جرح و صدمه های وارد بر منافع است».

در صورتی که شخصی سبب انتقال کرونا به فرد دیگر و ابتلای وی به این بیماری شود و آن فرد فوت نکند، ولی دچار آسیب‌های جدی در قسمت کبد، کلیه، قلب و ... گردد، این شخص منافع اعضای آن فرد را تباه کرده و مرتکب جنایت بر اعضای آن فرد شده است؛ از این رو تعریف مقرر از سوی قانونگذار برای جنایت بر این رفتار شخص انتقال‌دهنده کرونا صدق می‌کند.

حکم به قصاص نفس یا قصاص عضو نسبت به انتقال‌دهنده کرونا در هر سه فرض یاد شده متفی است. در ذیل دلیل آن در هر سه فرض ذکر شده تبیین و تحلیل می‌شود.

۴،۱. جنایت عمدی بر دریافت‌کننده کرونا

برخی فقهاء در تعریف قتل عمدی محض گفته‌اند که بالغ عاقل قصد قتل داشته یا قصد فعلی داشته که به طور عادت موجب قتل می‌شود اگرچه قصد قتل نداشت (طوسی، ۱۴۰۰ق: ۷۳۳؛ حلی، ۱۴۳۸ق: ج ۳، ص ۵۸۲؛ نجفی، ۱۴۰۴ق: ج ۴۲، ص ۱۲). برخی دیگر گفته‌اند فعلی که به طور عادت موجب کشتن می‌شود، با قصد کشتن انجام دهد (حلی، ۱۴۱۴ق: ج ۳، ص ۳۲۱؛ عاملی، ۱۴۱۰ق: ۲۶۷). بعضی دیگر گفته‌اند قصد قتل و مقتول را بکند، خواه آلت قتل به طور عادت سبب قتل شود و خواه نشود (طوسی، ۱۴۰۸ق: ۴۲۹؛ طباطبایی، ۱۴۱۸ق: ج ۱۶، ص ۱۸۲).

در حدیث «سَأَلْنَاهُ عَنْ رَجُلٍ ضَرَبَ رَجُلًا بَعْصًا فَلَمْ يَقْلَعْ عَنْهُ حَتَّى مَاتَ أَوْ يُدْفَعُ إِلَيْهِ وَلِيَ الْمَقْتُولِ فَيَقْتُلُهُ؟ قَالَ: نَعَمْ وَ لَا يُتْرَكُ يَعْثُ بِهٖ وَ لَكِنْ يُجِزُ عَلَيْهِ بِالسَّيْفِ» (کلینی، ۱۴۰۷ق: ج ۷، ص ۲۷۹؛ طوسی، ۱۴۰۷ق: ج ۱۰، ص ۱۵۷) از امام صادق (ع) درباره مردی سؤال شده که مرد دیگری را با عصا زده و در همین حال کشته شده. آیا آن مرد به ولی مقتول واگذار می‌شود تا وی را بکشد؟ امام نیز در پاسخ فرمود: بله و نباید به حال خودش رها شود و باید با شمشیر او را مجازات کند.

هرچند حکم به قصاص در این حدیث عمومیت داشته و - براساس ترک استفصال - شامل قصد قتل و عدم قصد قتل می‌شود (طباطبایی، ۱۴۱۸ق: ج ۱۶، ص ۱۸۵) ولی این حدیث را باید براساس احادیث دیگر - مانند حدیث «قَتْلُ الْعَمْدِ كُلِّ مَا عَمَدَ بِهِ

الضَّرْبَ فَعَلَيْهِ الْقَوْدُ» (کلینی، ۱۴۰۷ق: ج ۷، ص ۲۷۸؛ طوسی، ۱۴۰۷ق: ج ۱۰، ص ۱۵۶) و حدیث «الْعَمْدُ كُلُّ مَا اعْتَمَدَ شَيْئًا فَأَصَابَهُ بِحَدِيدَةٍ أَوْ بِحَجَرٍ أَوْ بِعَصَا أَوْ بِوَكْزَةٍ فَهَذَا كُلُّهُ عَمْدٌ» (کلینی، ۱۴۰۷ق: ج ۷، ص ۲۷۸؛ طوسی، ۱۴۰۷ق: ج ۱۰، ص ۱۵۶) - حمل بر فرض قصد قتل کرد؛ زیرا معیار در این احادیث، عمد و قصد در ضرب بیان شده است؛ حتی اگر آلت قتل از ابزارهایی نباشد که به طور عادت موجب کشتن شود؛ زیرا عمد به لحاظ لغوی و عرفی با قصد قتل - بدون نظر به آلت - صدق می کند؛ بنابراین داخل در عموم و اطلاق ادله عمد می شود (طباطبایی، ۱۴۱۸ق: ج ۱۶، ص ۱۸۲).
براین اساس ملاک در صدق جنایت عمدی، قصد جنایت از سوی جانی است؛ خواه با آلت هایی باشد که طبق معمول سبب جنایت مورد نظر می شوند و خواه با آلت هایی باشد که طبق معمول سبب جنایت مورد نظر نمی شوند.

قانونگذار در ماده ۲۹۰ از قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲ شمسی مقرر داشته است: «جنایت در موارد زیر عمدی محسوب می شود: الف - هرگاه مرتکب با انجام کاری قصد ایراد جنایت بر فرد یا افرادی معین یا فرد یا افرادی غیرمعین از یک جمع را داشته باشد و در عمل نیز جنایت مقصود یا نظیر آن واقع شود، خواه کار ارتكابی نوعاً موجب وقوع آن جنایت یا نظیر آن بشود خواه نشود. ب - هرگاه مرتکب عمداً کاری انجام دهد که نوعاً موجب جنایت واقع شده یا نظیر آن می گردد هر چند قصد ارتكاب آن جنایت و نظیر آن را نداشته باشد؛ ولی آگاه و متوجه بوده که آن کار نوعاً موجب آن جنایت یا نظیر آن می شود. پ - هرگاه مرتکب قصد ارتكاب جنایت واقع شده یا نظیر آن را نداشته باشد و کاری را هم که انجام داده است، نسبت به افراد متعارف نوعاً موجب جنایت واقع شده یا نظیر آن نمی شود، لکن درخصوص مجنی علیه به علت بیماری، ضعف، پیری یا هر وضعیت دیگر و یا به علت وضعیت خاص مکانی یا زمانی نوعاً موجب آن جنایت یا نظیر آن می شود مشروط بر آن که مرتکب به وضعیت نامتعارف مجنی علیه یا وضعیت خاص مکانی یا زمانی آگاه و متوجه باشد. ت - هرگاه مرتکب قصد ایراد جنایت واقع شده یا نظیر آن را داشته باشد بدون آنکه

فرد یا جمع معینی مقصود وی باشد و در عمل نیز جنایت مقصود یا نظیر آن واقع شود، مانند اینکه در اماکن عمومی بمب گذاری کند».

اگر انتقال دهنده بیماری کرونا بداند یا احتمال عقلایی دهد که حضورش نزد دیگران موجب اضرار به آنان یا مرگ آنها می شود یا قصد انتقال بیماری کرونا به دیگران و مرگ یا آسیب آنان توسط این بیماری را داشته باشد و آنان نیز به این بیماری مبتلا شده و بر اثر ابتلای به آن بمیرند یا آسیب ببینند، این عمل انتقال دهنده کرونا جنایت عمدی به شمار می رود.

فقهها در قتل عمد حکم به جریان قصاص نفس قاتل در صورت وجود شرایط و درخواست اولیای دم مقتول از حاکم شرع و اذن حاکم شرع می دهند (طوسی، ۱۴۰۰ق: ۷۳۳؛ حلبی، ۱۴۰۳ق: ۳۸۲؛ طرابلسی، ۱۴۰۶ق: ج ۲، ص ۴۵۶؛ عاملی، ۱۴۱۰ق: ۲۶۷؛ طباطبایی، ۱۴۱۸ق: ج ۱۶، ص ۱۸۲؛ نجفی، ۱۴۰۴ق: ج ۴۲، ص ۱۱). فقهها در جنایت عمدی بر اعضای بدن انسان نیز حکم به جریان قصاص در صورت وجود شرایط داده اند (حلی، ۱۴۱۰ق: ج ۲، ص ۲۰۶؛ نجفی، ۱۴۰۴ق: ج ۴۲، ص ۳۴۳). قانونگذار در ماده ۱۶ از قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲ شمسی در جمهوری اسلامی ایران مقرر داشته است: «قصاص مجازات اصلی جنایت عمدی بر نفس، اعضا و منافع است».

در ماده ۳۸۶ از این قانون نیز مجازات جنایت عمدی بر عضو را مشخص کرده و مقرر داشته است: «مجازات جنایت عمدی بر عضو در صورت تقاضای مجنی علیه یا ولی او و وجود سایر شرایط مقرر در قانون، قصاص و در غیر این صورت مطابق قانون از حیث دیه و تعزیر عمل می گردد». در جواز قصاص برای جنایت عمدی براساس نظر بعضی از فقهها - از جمله ابوحنیفه و برخی علمای شیعه - مباشرت جانی در جنایت شرط است (پرویزی و رمضانی، ۱۳۹۶: ۱۰) که در اینجا محل اشکال است.

براساس نظر بسیاری از فقهها، مباشرت در جواز قصاص برای جنایت عمدی شرط نیست. بر همین اساس فتوا داده اند که اگر کسی به فرد دیگری سم یا هر چیزی که

موجب کشته شدن می شود بدهد و آن فرد نیز از روی جهل آن را بخورد و بمیرد، این عمل قتل عمدی به حساب آمده و مقتضی قصاص است؛ حتی اگر غذای خورده شده اندک و براساس مزاج ها به لحاظ تأثیر در کشتن متفاوت باشد (حلی، ۱۴۳۸ق: ج ۳، ص ۵۸۴) یا بیماری آن فرد را طولانی کرده و موجب مرگ وی شود (نجفی، ۱۴۰۴ق: ج ۴۲، ص ۳۵). دلیل آن را نیز سقوط حکم مباشرت به جهت غرور ذکر کرده اند (همان: ص ۳۶).

طبق نظر فقها در قتل عمدی جهت قصاص باید استناد جنایت به جانی محرز شود. بر همین اساس فقها (عاملی، ۱۴۱۰ق: ۲۷۳) فتوا داده اند که اگر شخصی بر اعضای فردی دیگر جنایت کند و آن فرد بمیرد و استناد مرگ به آن جنایت مشتبه باشد، قصاص نفس نسبت به جانی متفی خواهد بود.

علاوه بر اینکه در قتل عمدی طبق نظر بیشتر فقها (طوسی، ۱۳۸۷: ج ۳، ص ۵۸۲؛ حلی، ۱۴۰۸ق: ج ۴، ص ۱۸۰؛ عاملی، ۱۴۱۰ق: ۲۶۷) غالبی بودن فعل و ابزار در کشندگی شرط است؛ در حالی که بیماری واگیردار کرونا بیشتر سالمندان، بیماران زمینه ای و زنان باردار را تلف می کند (هونگ، ۱۳۹۸: ۲؛ هادی، ۱۳۹۸: ۳) و حدود ۳ درصد از مبتلایان به آن می میرند (هادی، ۱۳۹۸: ۷). بر همین اساس طبق قاعده احتیاط در دماء (کلاتری، متولی زاده، گلستان رو، ۱۳۹۵: ۱۳۱) و قاعده درء بنابر قول به جریان آن در قصاص (حلی، ۱۴۰۸ق: ج ۴، ص ۲۰۶؛ حلی، ۱۴۱۲ق: ج ۱۵، ص ۱۹۹؛ همو، ۱۴۲۰-۱۴۲۲ق: ج ۵، ص ۴۷۳؛ همو، ۱۴۳۸ق: ج ۳، ص ۶۱۵؛ عاملی، ۱۴۱۳ق: ج ۱۵، ص ۴۰؛ مجلسی، ۱۴۰۶ق: ج ۱۰، ص ۲۲۹؛ عاملی، بی تا: ج ۱۱، ص ۴۷؛ مکارم، ۱۴۲۷ق: ج ۳، ص ۳۴۳) قصاص انتقال دهنده کرونا متفی است و باید به اولیای دم دریافت کننده بیماری کرونا دیه پرداخت شود.

ماده ۲۹۰ از قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲ شمسی در جمهوری اسلامی ایران نیز بر اشتراط قصد جنایت مجنی علیه از سوی جانی و کشندگی نوعی عمل جانی جهت قصاص نفس در قتل عمدی تصریح دارد. این ماده قانونی در جایگاه ذکر یکی از موارد جنایت عمدی در بند «ب» مقرر داشته است: «هرگاه مرتکب عمداً

کاری انجام دهد که نوعاً موجب جنایت واقع شده یا نظیر آن می‌گردد هرچند قصد ارتکاب آن جنایت و نظیر آن را نداشته باشد؛ ولی آگاه و متوجه بوده که آن کار نوعاً موجب آن جنایت یا نظیر آن می‌شود».

در بند «پ» از این ماده قانونی، کشندگی نوعی توسعه داده شده و مقرر شده است: «هرگاه مرتکب قصد ارتکاب جنایت واقع شده یا نظیر آن را نداشته باشد و کاری را هم که انجام داده است، نسبت به افراد متعارف نوعاً موجب جنایت واقع شده یا نظیر آن نمی‌شود؛ لکن در خصوص مجنی علیه به علت بیماری، ضعف، پیری یا هر وضعیت دیگر و یا به علت وضعیت خاص مکانی یا زمانی نوعاً موجب آن جنایت یا نظیر آن می‌شود مشروط بر آن که مرتکب به وضعیت نامتعارف مجنی علیه یا وضعیت خاص مکانی یا زمانی آگاه و متوجه باشد.» در تبصره دوم از این ماده با عنایت به بند «پ» مقرر داشته شده است: «در بند "پ" باید آگاهی و توجه مرتکب به این که کار نوعاً نسبت به مجنی علیه موجب جنایت واقع شده یا نظیر آن می‌شود ثابت گردد و در صورت عدم اثبات، جنایت عمدی ثابت نمی‌شود.»

هر چند ابتلای به کرونا به طور نوعی سبب کشته شدن شخص مبتلاشونده نمی‌شود - زیرا براساس آمار و تحقیقات، حدود ۳ تا ۴ درصد از مبتلاشوندگان به کرونا فوت می‌شوند - ولی براساس همین آمار و تحقیقات، انتقال کرونا به افراد خاص مانند سالمندان، زنان باردار و بیماران زمینه‌ای به طور نوعی سبب مرگ آنان می‌شود، ازاین‌رو - طبق بند «پ» از ماده ۲۹۰ در قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲ شمسی در ایران - انتقال دادن کرونا به این اشخاص در صورت بلوغ، عقل، آگاهی و عمد انتقال‌دهنده و فوت یا صدمه عضوی از این اشخاص به جهت دریافت کرونا، جنایت عمدی به شمار می‌رود و در صورت امکان احراز استناد انتقال کرونا به شخص جانی و احراز استناد فوت یا صدمه عضوی از این اشخاص به همین انتقال، می‌توان حکم قصاص درباره انتقال‌دهنده جاری دانست.

۴،۲. جنایت شبه عمدی بر دریافت کننده کرونا

فقهها در تعریف قتل شبه‌عمدی گفته‌اند که بالغ عاقل قصد فعل داشته باشد، یعنی از روی عمد فعل را انجام دهد، ولی در قصد خطا کند (طوسی، ۱۴۰۸ق: ۴۳۰؛ حلی، ۱۴۱۴ق: ج ۳، ص ۳۲۲؛ حلی، ۱۴۱۰ق: ج ۲، ص ۱۹۴؛ همو، ۱۴۳۸ق: ج ۳، ص ۵۸۲؛ عاملی، ۱۴۱۰ق: ۲۷۵)؛ مانند پزشکی که قصد معالجه بیمار را دارد، ولی بیمار در معالجه می‌میرد (طوسی، ۱۴۰۸ق: ۴۳۰؛ حلی، ۱۴۱۰ق: ج ۲، ص ۱۹۴).

قانونگذار در ماده ۲۹۱ از قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲ شمسی در جمهوری اسلامی ایران مقرر داشته است: «جنایت در موارد زیر شبه‌عمدی محسوب می‌شود. الف - هرگاه مرتکب نسبت به مجنی علیه قصد رفتاری را داشته لکن قصد جنایت واقع شده یا نظیر آن را نداشته باشد و از مواردی که مشمول تعریف جنایات عمدی می‌گردد نباشد. ب - هرگاه مرتکب جهل به موضوع داشته باشد مانند آنکه جنایتی را با اعتقاد به این که موضوع رفتار وی شیء یا حیوان و یا افراد مشمول ماده ۳۰۲ این قانون است به مجنی علیه وارد کند، سپس خلاف آن معلوم گردد. پ - هرگاه جنایت به سبب تقصیر مرتکب واقع شود مشروط به این که جنایت واقع شده مشمول تعریف جنایت عمدی نباشد».

چنانچه انتقال‌دهنده کرونا به دیگری قصد ابتلای دریافت‌کننده از او را داشته باشد؛ ولی قصد فوت یا آسیب وی را نداشته باشد یا تقصیری در انتقال بیماری کرونا داشته باشد یا بیماری خودش را از دیگران کتمان کند؛ ولی جهل به انتقال بیماری به دیگران با کتمان داشته باشد و دیگران نیز به سبب این کتمان از وی این بیماری را دریافت کنند و بمیرند یا آسیب ببینند، این عمل انتقال‌دهنده کرونا جنایت شبیه عمد به حساب می‌آید.

طبق نظر فقهها (طوسی، ۱۴۰۰ق: ۷۳۴؛ حلبی، ۱۴۱۷ق: ۴۰۸؛ حلی، ۱۴۳۸ق: ج ۳، ص ۵۸۲؛ نجفی، ۱۴۰۴ق: ج ۴۲، ص ۱۹) قصاص نفس در قتل شبیه به عمد در همه جا از جمله اینجا متفی است.

فقهها در جنایت شبه‌عمدی بر اعضا نیز قصاص را متفی دانسته و حکم به پرداخت دیه داده‌اند (حلی، ۱۴۱۰ق: ج ۲، ص ۲۰۶؛ عاملی، ۱۴۱۰ق: ۲۷۵).

قانونگذار در ماده ۱۷ از قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲ شمسی در جمهوری اسلامی ایران مقرر داشته است: «دیه اعم از مقدر و غیرمقدر مالی است که در شرع مقدس برای ایراد جنایت غیرعمدی بر نفس، اعضا و منافع و یا جنایت عمدی در مواردی که به هر جهتی قصاص ندارد به موجب قانون مقرر می‌شود». انتقال‌دهنده کرونا در فرض جنایت شبه عمدی - طبق نظر فقهاء و قانون مجازات اسلامی - قصاص نمی‌شود و باید به اولیای دم دریافت‌کننده کرونا دیه پرداخت شود.

۴,۳. جنایت خطای محض بر دریافت‌کننده کرونا

برخی فقها در تعریف قتل خطای محض گفته‌اند که قاتل قصد فعل نداشته باشد یا قصد فعل داشته؛ ولی در قصد خودش خطا کرده باشد (حلی، ۱۴۱۴ق: ۳۲۱؛ همو، ۱۴۱۰ق: ج ۲، ص ۱۹۴) مانند اینکه بلغزد و بر دیگری افتاده و سبب مرگ او شود یا به سمت شکاری تیر پرتاب کند؛ ولی به انسانی خورده و بمیرد (همو، ۱۴۱۰ق: ج ۲، ص ۱۹۴). برخی دیگر گفته‌اند که قاتل در قصد و فعل خطا کرده باشد (طوسی، ۱۴۰۸ق: ۴۲۹؛ حلی، ۱۴۳۸ق: ج ۳، ص ۵۸۲؛ عاملی، ۱۴۱۰ق: ۲۷۵).

به نظر می‌رسد مراد از جنایت خطای محض این است که جانی در هم قصد و هم فعل خطا کند. در مثال پرتاب تیر به سمت شکار و اصابت تیر به انسان و مرگ او، جانی هر چند قصد فعل پرتاب کردن داشته؛ ولی قصد فعل قتل و قصد انسان مجنی‌علیه را نداشته است، ازاین‌رو می‌توان گفت که در این مثال نیز در هم قصد و هم فعل خطا کرده است؛ زیرا قصد او شکار بود نه قتل و قصدش حیوان بود نه انسان.

قانون‌گذار در ماده ۲۹۲ از قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲ شمسی در جمهوری اسلامی ایران مقرر داشته است: «جنایت در موارد زیر خطای محض محسوب می‌شود: الف - در حال خواب و بیهوشی و مانند آنها واقع شود. ب - به وسیله صغیر و مجنون ارتکاب یابد. پ - جنایتی که در آن مرتکب نه قصد جنایت بر مجنی‌علیه را داشته باشد و نه قصد ایراد فعل واقع شده بر او را مانند آنکه تیری به قصد شکار رها کند و به فردی برخورد نماید».

اگر انتقال‌دهنده بیماری کرونا به دیگری قصد انتقال این بیماری به دیگری و فوت یا آسیب او بر اثر ابتلای به آن را نداشته باشد؛ ولی دریافت‌کننده کرونا با دریافت بیماری از انتقال‌دهنده بمیرد یا آسیب ببیند، این عمل انتقال‌دهنده کرونا جنایت خطای محض شمرده می‌شود.

در قتل خطای محض نیز براساس نظر فقها (طوسی، ۱۴۰۰، ۷۳۳؛ حلبی، ۱۴۱۷، ۴۰۸؛ حلی، ۱۴۳۸، ۵۸۲/۳؛ نجفی، ۱۴۰۴، ۱۰۵/۴۲) قصاص نفس در همه‌جا از جمله اینجا منتفی است. فقهاء در جنایت خطای محض بر اعضاء نیز قصاص را منتفی دانسته و حکم به پرداخت دیه دادند. (حلی، ۱۴۱۰، ۲۰۶/۲؛ عاملی، ۱۴۱۰، ۲۷۵) قانون‌گذار - همچنان که ذکر شد - در ماده ۱۷ از قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲ شمسی در جمهوری اسلامی ایران براساس شرع مقدس، دیه را برای ایراد جنایت غیر عمدی بر نفس، اعضاء و منافع مقرر داشته و قصاص را در آن‌ها منتفی دانسته است. انتقال‌دهنده کرونا در صورت جنایت خطای محض - براساس نظر فقهاء و قانون مجازات اسلامی - قصاص نمی‌شود و باید به اولیای دم دریافت‌کننده کرونا دیه پرداخت شود.

۵. دریافت دیه از انتقال‌دهنده کرونا

اگر شخصی به بیماری کرونا مبتلا شود و سبب انتقال این بیماری واگیردار به دیگری و مرگ یا اتلاف عضوی از اعضای وی شود باید خسارت وارد شده به فرد دریافت‌کننده این بیماری را پرداخت کند. (یزدانیان/ثقفی، ۱۳۹۳، ۴۷) اگر خودش هم فوت کند، خسارت از مال او برداشت شده و به دریافت‌کننده - در صورت زنده بودنش و اتلاف عضوی از وی - یا اولیای دم دریافت‌کننده - در صورت مرگ دریافت‌کننده - پرداخت می‌شود.

فقهاء (مکارم، ۱۴۲۹، ۲۳۰) فتوا داده‌اند که هر گاه فرد انتقال‌دهنده بیماری سبب مرگ شخص دریافت‌کننده بیماری شود، دیه شخص دریافت‌کننده بیماری از اموال فرد انتقال‌دهنده بیماری برداشت می‌شود. قانون‌گذار نیز در ماده ۴۵۰ از قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲ شمسی در جمهوری اسلامی ایران مقرر داشته است: «در جنایت شبه عمدی، خطای محض و جنایت عمدی که قصاص در آن جایز یا ممکن

نیست، در صورت درخواست مجنی علیه یا ولی دم دیه پرداخت می‌شود مگر به نحو دیگری مصالحه شود.»

هر چند برخی (یزدانیان/ثقفی، ۱۳۹۳، ۴۷) گفته‌اند که نفس انتقال بیماری واگیردار ضرر به شمار می‌رود و نیازی نیست که همه آسیب‌های این بیماری در مراحل بعدی بر زیان دیده وارد و ظاهر شود و سپس اقامه دعوا در محکمه کند؛ ولی به نظر می‌رسد تا وقتی که ضرری بر دریافت‌کننده بیماری ظاهر نشود، مسئولیتی متوجه انتقال‌دهنده نخواهد بود؛ زیرا امکان دارد که بیماری از شخصی به فرد دیگر انتقال یابد؛ ولی ضرری به شخص دریافت‌کننده بیماری وارد نشود. به‌عنوان نمونه در بیماری واگیردار کرونا براساس تحقیقات میدانی، افراد زیادی به این بیماری مبتلا شده و آن را از دیگران دریافت می‌کنند؛ ولی با توجه به قدرت بدنی زیاد خطر و ضرری متوجه آنان نشده و از آن بیماری عبور می‌کنند.

بله لزومی ندارد که بیماری واگیردار در همان زمان تماس انتقال‌دهنده با دریافت‌کننده و انتقال بیماری بر روی دریافت‌کننده ظاهر شود. قانون‌گذار در ماده ۴۹۳ از قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲ شمسی در جمهوری اسلامی ایران مقرر داشته است: «وجود فاصله زمانی میان رفتار مرتکب و نتیجه ناشی از آن مانع از تحقق جنایت نیست مانند فوت ناشی از انتقال عامل بیماری کشنده که حسب مورد موجب قصاص یا دیه است. حکم این ماده و ماده ۴۹۲ این قانون در مورد کلیه جرائم جاری است.»

این حکم در بیماری واگیردار کرونا که سرایت آن خیلی آسان و سریع بوده (هونگ، ۱۳۹۸، ۳-۲) و آسیب‌رسانی آن و گاهی کشندگی آن نیز زیاد است (هادی، ۱۳۹۸، ۷-۹؛ هونگ، ۱۳۹۸، ۳-۲) غلظت و شدت بیشتری دارد.

۶. جریان حکم افساد فی الارض بر عامل انتقال گسترده کرونا

قانون‌گذار در ماده ۲۸۶ از قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲ شمسی در جمهوری اسلامی ایران افساد فی الارض را عنوان و علت مستقل برای اجرای کیفر و حکم اعدام برشمرده و مقرر داشته است: «هر کس به طور گسترده مرتکب جنایت علیه تمامیت جسمانی افراد، جرائم علیه امنیت داخلی یا خارجی کشور، نشر اکاذیب،

اخلال در نظام اقتصادی کشور، احراق و تخریب، پخش مواد سمی و میکروبی و خطرناک یا دایر کردن مراکز فساد و فحشا یا معاونت در آن‌ها گردد به گونه‌ای که موجب اخلال شدید در نظم عمومی کشور، ناامنی یا ورود خسارت عمده به تمامیت جسمانی افراد یا اموال عمومی و خصوصی یا سبب اشاعه یا فحشا در حد وسیع گردد مفسد فی الارض محسوب و به اعدام محکوم می‌گردد.»

در این ماده از قانون تعبیر «جنایت علیه تمامیت جسمانی افراد» و تعبیر «ورود خسارت عمده به تمامیت جسمانی افراد» آمده که هر دو شامل انتقال ویروس و بیماری کرونا در سطح عموم جامعه به صورت گسترده نیز می‌شوند؛ زیرا با انتقال گسترده کرونا در میان اعضای جامعه، سلامتی و امنیت بهداشتی همه آنان در خطر خواهد افتاد و برخی از آنان نیز به کام مرگ کشیده خواهند شد و برخی دیگر دچار عوارض و آسیب‌های گوناگون جسمی، روحی، اقتصادی و ... خواهند شد، بنابراین عامل انتقال ویروس و بیماری کرونا مفسد فی الارض بوده و حکم اعدام بر وی جاری می‌شود.

همچنین در این ماده از قانون عبارت «پخش مواد سمی و میکروبی و خطرناک» آمده که موجب صدق اطلاق «مفسد فی الارض» و محکومیت شخصی که بدان متصف شود می‌گردد. پخش مواد سمی، میکروبی و خطرناک از باب نمونه است، از این رو با الغای خصوصیت - که در استنباط اعتبار دارد (بحرانی، ۱۴۰۵-۱۴۰۹ق: ج ۴، ص ۱۹۳؛ هاشمی، ۱۳۸۲-۱۳۹۷: ج ۱، ص ۶۳۹) - می‌توان حکم آن را به ویروس کرونا که عامل بیماری واگیردار و همه‌گیر است تسری داد؛ بنابراین پخش ویروس کرونا در سطح عموم جامعه از روی عمد، اختیار، علم و غرض سوء نیز - همانند پخش مواد سمی و میکروبی - از باب افساد فی الارض شمرده شده و عامل آن مفسد فی الارض خواهد بود و کیفر او از نظر حقوق موضوعه ایران اعدام خواهد بود.

فقه‌ها باب مستقلی را با عنوان «افساد فی الارض» یا «مفسد فی الارض» در متون فقهی ذکر نکرده‌اند؛ ولی در برخی موارد از این اصطلاح استفاده کرده و بدان تمسک کرده و کیفر آن را نیز اعدام بیان کرده‌اند.

در فقه اسلامی بر محاربه و سلب امنیت جامعه افساد فی الارض اطلاق شده است (هاشمی، ۱۳۸۲-۱۳۹۷: ج ۱، ص ۵۹۰). برخی نیز افساد فی الارض را به معنای تجاوز،

تعدی و ظلم به جان، مال، آبرو و ناموس انسان‌ها ذکر کرده‌اند (هاشمی، ۱۴۱۹ق: ۲۴۰ و ۲۵۱؛ همو، ۱۴۲۳ق: ج ۱، ص ۳۸۰).

در قرآن - که اولین و مهم‌ترین منبع برای فقه و حقوق اسلامی است - در آیه‌های «مَنْ أَجَلَ ذَلِكَ كَتَبْنَا عَلَى بَنِي إِسْرَئِيلَ أَنَّهُ مَنْ قَتَلَ نَفْسًا بِغَيْرِ نَفْسٍ أَوْ فَسَادٍ فِي الْأَرْضِ فَكَأَنَّمَا قَتَلَ النَّاسَ جَمِيعًا وَمَنْ أَحْيَاهَا فَكَأَنَّمَا أَحْيَا النَّاسَ جَمِيعًا» (مائده: ۳۲) به فساد در ارض و در آیه‌های «إِنَّمَا جَزَاءُ الَّذِينَ يُحَارِبُونَ اللَّهَ وَرَسُولَهُ وَيَسْعَوْنَ فِي الْأَرْضِ فَسَادًا أَنْ يُقَتَّلُوا أَوْ يُصَلَّبُوا أَوْ تُقَطَّعَ أَيْدِيهِمْ وَأَرْجُلُهُمْ مِنْ خَلْفٍ أَوْ يُنْفَوْا مِنَ الْأَرْضِ ذَلِكَ لَهُمْ خِزْيٌ فِي الدُّنْيَا وَلَهُمْ فِي الْآخِرَةِ عَذَابٌ عَظِيمٌ» (مائده: ۳۳) و «قَالَتِ الْيَهُودُ يَدُ اللَّهِ مَغْلُولَةٌ غُلَّتْ أَيْدِيهِمْ وَلُعِنُوا بِمَا قَالُوا بَلْ يَدَاهُ مَبْسُوطَتَانِ يُنْفِقُ كَيْفَ يَشَاءُ وَلَئِنْ يَدَنَّ كَثِيرًا مِنْهُمْ مَا أَنْزَلَ إِلَيْكَ مِنْ رَبِّكَ طُغْيَانًا وَكُفْرًا وَآلَفَيْنَا بَيْنَهُمُ الْعَدَاوَةَ وَالْبَغْضَاءَ إِلَى يَوْمِ الْقِيَامَةِ كُلَّمَا أَوْقَدُوا نَارًا لِلْحَرْبِ أَطْفَأَهَا اللَّهُ وَيَسْعَوْنَ فِي الْأَرْضِ فَسَادًا وَاللَّهُ لَا يُحِبُّ الْمُفْسِدِينَ» (مائده: ۶۴) به سعی در ارض به شکل فساد اشاره شده و حکم آن قتل یا تصلیب یا قطع دست و پا یا نفی بلد ذکر شده است.

محقق احمد مقدس اردبیلی (مقدس، ۱۳۸۶: ۶۶۵) عبارت «يَسْعَوْنَ فِي الْأَرْضِ فَسَادًا» (مائده: ۳۳) را بیان برای تحقق محاربه و تأکید برای ثبوت حقیقت آن برشمرده و «فَسَادًا» را علت و مصدر از غیر لفظ فعل دانسته؛ زیرا سعی بر روی زمین برای محاربه فساد است و عبارت «يفسدون في الأرض فسادًا» را از این عبارت برداشت کرده و تصریح کرده که این عبارت اشاره به این دارد که فساد موجب جواز قتل است.

فاضل جواد کاظمی (کاظمی، ۱۳۶۵: ج ۴، ص ۲۱۰) «فَسَادًا» را «مفسدین» معنا کرده و نصب آن را به جهت حالیت یا علیت یا مصدریت دانسته و عبارت «يفسدون في الأرض فسادًا» را از این عبارت برداشت کرده است.

شهید سید محمد صدر (صدر، ۱۴۲۰ق: ج ۹، ص ۲۸۸) فساد فی الارض را به عنوان یکی از اسباب مجازات ذکر کرده و به آیه ۳۳ سوره مائده تمسک کرده است. شیخ محمد بن حسن طوسی کسی را که عادتش بر این است که بنده خودش را دستور به کشتن مردم می‌دهد و او را در این باره فریب داده یا اجبار می‌کند، مفسد فی

الارض برشمرده و حکم این شخص را قتل ذکر کرده است (طوسی، ۱۴۰۷ق: ج ۱۰، ص ۲۲۰؛ همو، ۱۳۹۰: ج ۴، ص ۲۸۳).

وی همچنین وجه وجوب قتل ساحر در روایت اصحاب شیعه: «أَنَّ السَّاحِرَ يُقْتَلُ» (کلینی، ۱۴۰۷ق: ج ۷، ص ۲۶۰؛ صدوق، ۱۴۰۴ق: ج ۳، ص ۵۶۷؛ طوسی، ۱۴۰۷ق: ج ۱۰، ص ۱۴۷) را افساد فی الارض از سوی ساحر ذکر کرده است (طوسی، ۱۴۱۳ق: ج ۵، ص ۳۳۱).

او همچنین وجه حکم امام صادق به قطع دست مردی که زن خودش را فروخته در حدیث «قُلْتُ لِأَبِي عَبْدِ اللَّهِ: أَخْبِرْنِي عَنْ رَجُلٍ بَاعَ امْرَأَتَهُ قَالَ عَلَى الرَّجُلِ أَنْ تُقَطَعَ يَدُهُ وَ تُرْجَمَ الْمَرْأَةُ وَ عَلَى الَّذِي اشْتَرَاهَا أَنْ وَطَّئَهَا إِنْ كَانَ مُحْصَنًا أَنْ يُرْجَمَ إِنْ عَلِمَ وَ إِنْ لَمْ يَكُنْ مُحْصَنًا أَنْ يُجْلَدَ مِائَةً جَلْدَةٍ وَ تُرْجَمَ الْمَرْأَةُ إِنْ كَانَ الَّذِي اشْتَرَاهَا وَطَّئَهَا.» (همو، ۱۴۰۷ق: ج ۱۰، ص ۲۴) افساد فی الارض ذکر و با استناد به آیه ۳۳ مائده، کیفر آن مرد را تخیر میان قتل یا تصلیب یا قطع دست و پا یا نفی بلد ذکر کرده است (طوسی، ۱۴۰۷ق: ج ۱۰، ص ۲۴).

به طور قطع از نگاه شیخ طوسی مفسد فی الارض منحصر به چنین اشخاصی و افساد فی الارض مختص به چنین مواردی نیست و شامل اشخاص و موارد دیگر نیز می شود؛ بنابراین باید ملاک صدق عنوان مفسد فی الارض بر اشخاص را استخراج کرد تا بتوان حکم قتل را بر وی جاری ساخت.

برخی از فقها - مانند ابوالصلاح حلبی (حلبی، ۱۴۰۳ق: ۳۸۴)، ابن زهره حلبی (حلبی، ۱۴۱۷ق: ۴۰۷)، محمد کیدری (کیدری، ۱۴۱۶ق: ۴۹۴) و سید علی طباطبایی (طباطبایی، ۱۴۱۸ق: ج ۱۶، ص ۲۲۰) - کیفر کسی را که عادت به قتل بنده کرده قتل دانسته و علت آن را افساد - نه قصاص - ذکر کرده اند. بعضی از فقها - مانند ابن جنید اسکافی (حلی، ۱۴۳۳ق: ج ۹، ص ۳۳۵)، ابن زهره حلبی (حلبی، ۱۴۱۷ق: ۴۰۷)، ابوالصلاح حلبی (حلبی، ۱۴۰۳ق: ۳۸۴)، محمد کیدری (کیدری، ۱۴۱۶ق: ۴۹۴) و علامه حلی (حلی، ۱۴۳۳ق: ج ۹، ص ۳۳۵) - کیفر مسلمانی را که عادت به قتل ذمی پیدا کرده قتل ذکر کرده و علت آن را افساد - نه قصاص - بیان کرده اند.

علامه حلی کیفر کسی را که عادت به نبش قبر بکند، قتل ذکر کرده و دلیل آن را افساد بیان کرده است (حلی، ۱۴۳۳ق: ج ۹، ص ۲۴۱).

امام خمینی در تاریخ ۱۳۶۲/۱۱/۲۸ در پاسخ به استفتای دادگاه عالی انقلاب اسلامی مبنی بر «قاچاق تریاک که فی الجمله دارای منافع مشروع است در چه حدی "افساد فی الارض" بر آن صدق می کند؟» فتوا داد: «فساد در صورتی است که مواد مخدره پخش شود؛ به طوری که موجب ابتلای بسیاری شود یا به قصد این عمل یا با علم به این اثر» (خمینی، ۱۳۷۸: ج ۱۸، ص ۳۵۴).

امام خمینی براساس این فتوا پخش مواد مخدر در سطح گسترده به قصد ابتلای افراد زیاد یا با علم به اثر در افراد زیاد را نیز در زمره افساد فی الارض برشمرده است. آیت الله محمد آصف محسنی (محسنی، ۱۴۲۴ق: ج ۱، ص ۲۵۴) پخش ایذر توسط گروهی از مردان و زنان در میان مسلمانان به دستور حکومت های کافر و دشمن با مسلمانان را جزو افساد فی الارض شمرده است.

آیت الله محمد مؤمن قمی افساد فی الارض را موضوع تام برای قتل ذکر کرده (مؤمن، ۱۴۱۵ق: ۴۱۶) و به آیه ۳۲ سوره مائده (همان: ۴۰۴)، آیه ۳۳ سوره مائده (همان: ۴۱۲) و حدیث «لَا يَحِلُّ قَتْلُ أَحَدٍ مِنَ الْكُفَّارِ وَ النَّصَابِ فِي دَارِ التَّقِيَّةِ إِلَّا قَاتِلِ أَوْ سَاعِي [سَاعٍ] فِي فَسَادٍ» (صدوق، ۱۴۰۳ق: ۶۰۷؛ همو، ۱۳۷۸: ج ۲، ص ۱۲۴) نیز (مؤمن، ۱۴۱۵ق: ۴۱۵) استدلال کرده است.

آیت الله ناصر مکارم شیرازی هر چیزی را که سبب اشاعه خوف و سلب امنیت اجتماعی شود، مصداق افساد فی الارض برشمرده است (مکارم، ۱۴۲۷ق: ج ۲، ص ۳۸۹).

از مجموع سخنان و استدلال های فقها می توان به این نتیجه رسید که مراد از افساد فی الارض تعدی و تجاوز به جان، مال و ناموس اعضای جامعه و سلب امنیت جامعه در بعد سیاسی، اقتصادی، اخلاقی، اجتماعی، بهداشتی و ... است. در این صورت بر عامل آن - که مفسد فی الارض است - حکم قتل جاری می شود.

طبق این تعریف، افساد فی الارض شامل جرائم عمومی ای می شود که در آنها تعدی و ظلم به دیگران وجود دارد و شامل گناهان فردی، مانند شرک، انکار وحی، خودزنی و دروغ نمی شود؛ هرچند از گناهان کبیره به حساب آیند (هاشمی، ۱۴۲۳ق: ج ۱، ص ۳۸۰).

همچنین الزامی در گستردگی و شهرت جرم جهت صدق افساد فی الارض نیست و صرف اخلال در امنیت جامعه برای صدق این عنوان کفایت می کند (همان: ص ۳۸۱).

افساد فی الارض با محاربه تفاوت دارد؛ زیرا افساد فی الارض اعم از محاربه است (مؤمن، ۱۴۱۵ق: ۴۰۹). بر همین اساس شیخ محمدحسن نجفی در جایگاه تعریف محارب نوشته است: «هر کسی که جهت ترساندن مردم سلاح را برهنه یا حمل کند؛ به طوری که اراده فساد فی الارض صدق کند» (نجفی، ۱۴۰۴ق: ج ۴۱، ص ۵۶۴). بنابراین ذکر این دو عنوان در کنار هم و عطف سعی در فساد فی الارض بر محاربه در آیه ۳۳ سوره مائده از باب عطف عام بر خاص است (مؤمن، ۱۴۱۵ق: ۴۰۹) و گویای این نکته است که قصد افساد فی الارض یکی از عناصر و عوامل تحقق محاربه است (مقدس، ۱۳۸۶: ۶۶۵؛ گلیپگانی، ۱۴۱۲ق: ج ۳، ص ۲۳۰) و عرف از آن برداشت می کند که افساد فی الارض سبب و علت تام برای اجرای کیفر است (مؤمن، ۱۴۱۵ق: ۴۰۹-۴۱۰). بر این اساس محاربه اخص از افساد فی الارض است و هر جایی که افساد فی الارض به همراه سلاح باشد (مکارم، ۱۴۲۷ق: ج ۲، ص ۳۸۹) محاربه تحقق می پذیرد.

انتقال و پخش کرونا از روی عمد و علم و با قصد تلف کردن اعضای جامعه یا آسیب زدن به آنان، از مواردی است که امنیت جامعه را از لحاظ جانی، مالی و ... به خطر می اندازد. لذا بر این اساس عنوان «افساد فی الارض» بر آن صدق کرده و عامل آن «مفسد فی الارض» به حساب آمده و می توان کیفر قتل را بر او جاری ساخت.

کرونا در زمره بیماری‌های همه‌گیر و سرایت‌کننده است که سرعت زیادی در شیوع دارد. این ویروس برخی مبتلاشوندگان - به‌خصوص سالمندان، افراد دارای بیماری زمینه‌ای، زنان باردار و دارندگان سیستم ایمنی بدنی ضعیف - را می‌کشد. زمان نگارش این مقاله، این ویروس به بحران اصلی در جهان تبدیل شده و بهترین راهکار جهت مبارزه با آن پیشگیری است که شامل رعایت بهداشت و قرنطینه می‌شود. این مقاله علمی در زمان شیوع کرونا در کل جهان با روش تحقیق توصیفی تحلیلی و اسناد کتابخانه‌ای و میدانی تألیف شده و تازه‌ترین نتایج فقهی حقوقی را درباره کیفر انتقال آن از نگاه فقه کیفری و حقوق جزا ارائه می‌کند. انتقال دادن کرونا از نظر قانون مجازات اسلامی در ایران جرم به‌شمار می‌رود. کرونا از مسائل نوپیدا است و نمی‌توان در فقه برای اثبات جرم بودن انتقال آن به ادله خاص تمسک کرد؛ ولی امکان استنباط آن از ادله‌ای مانند اطلاقات، عمومات، حکم عقل، سیره عقلا، سیره معصومان، سیره متشرعه و مقاصد شریعت وجود دارد. قصاص انتقال‌دهنده کرونا در صورت فوت یا آسیب دریافت‌کننده منتفی بوده و باید دیه پرداخت شود؛ زیرا قصاص در جنایت عمدی مشروط به مباشرت در نزد برخی فقها، غالبی بودن فعل در جنایت و احراز استناد جنایت به جانی در نزد همه فقهاست؛ درحالی‌که در اینجا تحقق این سه شرط محل تردید صاحب‌نظران است؛ ازاین‌رو طبق قاعده احتیاط در دماء، قاعده درء، اصل احتیاط و ... قصاص اجرا نمی‌شود. در جنایت شبه‌عمدی و جنایت خطای محض، قصاص از نظر همه فقها در همه‌جا از جمله اینجا منتفی است. انتقال دادن کرونا با عمد، علم و قصد اتلاف اعضای جامعه یا آسیب آنان، موجب صدق عنوان «افساد فی الارض» بوده و عامل آن باید کیفر شود.

منابع

قرآن کریم

۱. آقای نیما، حسین، (۱۳۸۷)، حقوق کیفری اختصاصی: جرایم علیه اشخاص (شخصیت معنوی)، تهران: میزان، چاپ سوم.
۲. اشرفی، حسن و زهرا کاظم پور، (۱۳۹۹)، «تبیین بحران کرونا ویروس (کووید ۱۹) براساس نظریه ضد اطلاعات»، مجله مدیر سلامت، شماره ۷۹.
۳. بحرانی، یوسف، (۱۴۰۵-۱۴۰۹ق)، الحدائق الناضره، قم: دفتر انتشارات اسلامی.
۴. بهجت، محمدتقی، (۱۴۲۸ق)، استفتائات، قم: دفتر آیت الله بهجت.
۵. پارسای، سوسن و محمدعلی حیدرنیا، اصغر کلاهی، محمدرضا سهرابی، حوریه شمشیری میلانی، ناصر محمدی، عبدالرضا کامیابی، (بی تا)، درسنامه تماس زودرس با بیمار، تهران: دانشگاه علوم پزشکی شهید بهشتی.
۶. پرویزی فرد، آیت الله و بیژن رضانی، (۱۳۹۶)، «تبیین و تفسیر فقهی و حقوقی بیماری ها و صدمات مسری و واگیردار، مجله مطالعات علوم سیاسی»، حقوق و فقه، شماره ۴.
۷. پورمحمدی، علی و قاسم آذریان، (۱۳۹۹)، «راهنمای آموزشی پیشگیری از ابتلا به ویروس کرونای کووید ۱۹ در میان کارکنان بیمارستان»، مجله آموزش و سلامت جامعه، شماره ۲۵.
۸. توکلی، احمد و کتایون وحدت و محسن کشاورز، (۱۳۹۸ش)، «کروناویروس جدید ۲۰۱۹: بیماری عفونی نوظهور در قرن ۲۱، مجله طب جنوب»، س ۲۲، شماره ۶.
۹. حلبی، تقی، (۱۴۰۳ق)، الکافی فی الفقه، اصفهان: کتابخانه امام امیرالمؤمنین (ع).
۱۰. حلبی، سید حمزه، (۱۴۱۷ق)، غنیة النزوع (قسم الفروع)، قم: مؤسسه امام صادق (ع).
۱۱. حلی، جعفر، (۱۴۰۸ق)، شرائع الإسلام، قم: مؤسسه اسماعیلیان، چاپ دوم.
۱۲. حلی، حسن، (۱۴۱۰ق)، إرشاد الأذهان، قم: دفتر انتشارات اسلامی.
۱۳. _____، (۱۴۲۰-۱۴۲۲ق)، تحریر الأحكام، قم: مؤسسه امام صادق (ع).

۱۴. _____ (۱۴۳۸ق)، قواعد الأحكام، قم: دفتر انتشارات اسلامی، چاپ چهارم.
۱۵. _____ (۱۴۳۳ق)، مختلف الشیعه فی أحكام الشریعه، قم: دفتر انتشارات اسلامی، چاپ چهارم.
۱۶. _____ (۱۴۱۲ق)، منتهی المطلب، مشهد: بنیاد پژوهش‌های آستان قدس رضوی.
۱۷. حلی، محمد، (۱۴۱۴ق)، السرائر، قم: دفتر انتشارات اسلامی، چاپ دوم.
۱۸. خمینی، سید روح الله، (۱۳۷۸)، صحیفه امام خمینی، تهران: مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی.
۱۹. راوندی، سعید، (۱۴۰۵ق)، فقه القرآن، قم: کتابخانه آیت الله مرعشی، چاپ دوم.
۲۰. زندی، سعید و رضا پورحسین، (۱۳۹۹)، «نقش علوم رفتاری در مقابله با ویروس کرونا»، مجله رویش روانشناسی، شماره ۴۸.
۲۱. شمس، محمدابراهیم، (۱۳۸۱)، «اصل برائت و موارد عدول از آن در حقوق کیفری»، مجله مجتمع آموزش عالی قم، شماره ۱۴.
۲۲. صائب‌نیا، سمیه و فرشته کریمی، (۱۳۹۹)، «بررسی تأثیر بیماری کرونا (کووید ۱۹) بر عملکرد کسب و کار»، مجله چشم‌انداز حسابداری و مدیریت، شماره ۲۴.
۲۳. صدر، سید محمد، (۱۴۲۰ق)، ما وراء الفقه، بیروت: دارالأضواء.
۲۴. صدوق، محمد، (۱۴۰۳ق)، النخصال، قم: دفتر انتشارات اسلامی.
۲۵. _____ (۱۳۷۸ق)، عیون اخبار الرضا، تهران: جهان.
۲۶. _____ (۱۴۰۴ق)، من لایحضره الفقیه، قم: دفتر انتشارات اسلامی، چاپ دوم.
۲۷. طباطبایی، سید علی، (۱۴۱۸ق)، ریاض المسائل، قم: مؤسسه آل‌البیت.
۲۸. طرابلسی، عبدالعزیز، (۱۴۰۶ق)، المذهب، قم: دفتر انتشارات اسلامی.
۲۹. طوسی، محمدبن حسن، (۱۳۹۰ق)، الاستبصار فیما اختلف من الأخبار، تهران: دارالکتب الإسلامیه.
۳۰. _____ (۱۴۰۷ق)، تهذیب الأحکام، تهران: دارالکتب الإسلامیه، چاپ چهارم.

۳۱. _____ (۱۴۱۳ق)، الخلاف، قم: دفتر انتشارات اسلامی، چاپ سوم.
۳۲. _____ (۱۳۸۷ق)، المبسوط، تهران: کتابفروشی مرتضوی، چاپ سوم.
۳۳. _____ (۱۴۰۰ق)، النهایه، بیروت: دارالکتاب العربی، چاپ دوم.
۳۴. _____ (۱۴۰۸ق)، الوسيله إلى نیل الفضيله، قم: کتابخانه آیت الله مرعشی.
۳۵. عاملی، زین الدین، (۱۴۱۳ق)، مسالك الأفهام، قم: مؤسسه معارف اسلامی.
۳۶. عاملی، سیدجواد، (بی تا)، مفتاح الکرامه، بیروت: دار إحياء التراث العربی.
۳۷. عاملی، محمد، (۱۴۱۰ق)، اللمعه الدمشقيه، بیروت: دارالتراث/الدارالإسلامیه.
۳۸. فرنوش، غلامرضا و غلامحسین علی شیری، سید رضا حسینی ذیجود، روح الله درستکار، علی رضا جلالی فراهانی، (۱۳۹۹)، «شناخت کروناویروس نوین ۲۰۱۹ و کووید ۱۹ براساس شواهد موجود»، مجله طب نامی، شماره ۲۲.
۳۹. فروغی، فضل الله و محمد میرزایی، امیر باقرزادگان، محسن صوفی، (۱۳۹۴)، «نحوه احراز مسئولیت کیفری در بیماری های واگیردار و جرائم قابل انتساب»، مجله حقوق پزشکی، شماره ۳۵.
۴۰. فولادبند، فرحناز و مژده نعمت اللهی، رحمت الله محمدجانی، مسعود شیانی، منوچهر شیرانی، (۱۳۹۱)، بیماری های واگیر، شیراز: دانشگاه علوم پزشکی شیراز.
۴۱. کاظمی، جواد (۱۳۶۵)، مسالك الأفهام إلى آیات الأحكام، تهران: کتابفروشی مرتضوی.
۴۲. کلانتری، عباس و نفیسه متولی زاده صدیقه گلستانرو، (۱۳۹۵)، «احتیاط در دماء و کاربرد آن در حقوق کیفری»، مجله حقوق اسلامی، شماره ۵۱.
۴۳. کلینی، محمد (۱۴۰۷ق)، الکافی، تهران: دارالکتب الإسلامیه، چاپ چهارم.
۴۴. کیدری، محمد (۱۴۱۶ق)، إصباح الشیعه، قم: مؤسسه امام صادق (ع).
۴۵. گلپایگانی، سید محمدرضا (۱۴۱۲ق)، الدر المنضود فی أحكام الحدود، قم: دارالقرآن الکریم.

۴۶. مؤمن، محمد (۱۴۱۵ق)، کلمات سدیده فی مسائل جدید، قم: دفتر انتشارات اسلامی.
۴۷. مجلسی، محمدتقی (۱۴۰۶ق)، روضه المتقین، قم: بنیاد کوشانپور، چاپ دوم.
۴۸. محسنی، محمد آصف (۱۴۲۴ق)، الفقه و مسائل طبیه، قم: دفتر تبلیغات اسلامی حوزه علمیه.
۴۹. مرتاضی، احمد و امیرامیران بخشایش، (۱۳۹۷)، «اثر محکومیت‌زدایی و کیفرزدایی قاعده در جنایات موجب قصاص با رویکردی به قانون مجازات اسلامی ۱۳۹۲»، مجله پژوهش حقوق کیفری، شماره ۲۵.
۵۰. مرعشی، سید شهاب الدین، (۱۴۱۵ق)، القصاص علی ضوء القرآن و السنه، قم: کتابخانه آیت‌الله مرعشی.
۵۱. مسجدسرائی، حمید و خالد نبی‌نیا، احمد باقری، سیدمحمد صدری، (۱۳۹۷)، «اصل صرفه‌جویی کیفری مبنای تفسیر احکام و قوانین جزایی اسلام»، مجله پژوهش‌های فقه و حقوق اسلامی، شماره ۵۱.
۵۲. مقدس، احمد (۱۳۸۶ق)، زبده البیان، تهران: کتابفروشی مرتضوی.
۵۳. مکارم، ناصر (۱۴۲۹ق)، احکام پزشکی، قم: مدرسه امام علی بن ابی طالب (ع).
۵۴. مکارم، ناصر (۱۴۲۷ق)، الفتاوی الجدیده، قم: مدرسه امام علی بن ابی طالب (ع).
۵۵. منتظری، حسین علی (۱۴۲۷ق)، احکام پزشکی، قم: سایه.
۵۶. نجفی، محمدحسن، (۱۴۰۴ق)، جواهر الکلام، بیروت: دار إحياء التراث العربی، چاپ هفتم.
۵۷. هادی، مهدی، (۱۳۹۸ش)، کرونا ویروس جدید، تهران: دانشگاه علوم پزشکی تهران.
۵۸. هاشمی، سید محمود، (۱۴۱۹ق)، بایسته‌های فقه جزا، تهران: میزان/دادگستر.
۵۹. _____، (۱۴۲۳ق)، قرائات فقهیه معاصره، قم: مؤسسه دائره المعارف فقه اسلامی.
۶۰. _____ و همکاران (۱۳۸۲-۱۳۹۷)، فرهنگ فقه، قم: مؤسسه دائره المعارف فقه اسلامی.

۶۱. هونگ، جانگ ون، (۱۳۸۹)، دستورالعمل عمومی پیشگیری از ابتلا به ویروس کووید ۱۹ (ویروس کرونای جدید)، ترجمه امین بذرافشان و همکاران، شانگهای: انتشارات علم و فناوری شانگهای.

۶۲. یزدانیان، علی رضا و مریم ثقفی، (۱۳۹۳)، «مسئولیت مدنی بیماران مبتلا به بیماری‌های واگیردار»، مجله آموزه‌های فقه مدنی، شماره ۱۰.

۶۳. ب) سایت‌های اینترنتی

64. vrc.sbm.ac.ir (2020/1/